

بررسی تأثیر گذاری پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم و تحقیقات تهران)

سروش فتحی^۱، مهدی مختارپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۳

چکیده

اجتماعی شدن و مشارکت سیاسی در نظام سیاسی عصر نوین همراه با مدرنیته، لازم و ملزوم یکدیگر در امر حاکمیت و حکومت در دنیای نوین دانسته شده‌اند. لذا هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر گذاری پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران است. چارچوب نظری تحقیق، ترکیبی و با تأکید بر جامعه پذیری سیاسی می‌باشد. این تحقیق به شیوه پیمایش انجام شده است و داده‌ها به وسیله پرسشنامه از ۳۷۰ نفر از دانشجویان واحد علوم و تحقیقات در دانشکده‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی و اجتماعی جمع آوری شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که میان متغیرهای مستقل (تحصیلات فرد، وضعیت تاهل، نوع شغل والدین (پدر و مادر)، وضعیت اقتصادی خانواده و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها) و متغیر وابسته (مشارکت سیاسی فرد) رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که متغیرها به ترتیب تأثیرگذاری و اهمیت شان در تبیین متغیر وابسته عبارتند از: وضعیت اقتصادی خانواده، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، وضعیت تاهل، تحصیلات فرد و شغل پدر و مادر. در کل این متغیرها توانسته اند ۵۴٪ از مشارکت سیاسی پاسخگویان را تبیین کنند.

واژگان کلیدی: مشارکت، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشارکت سیاسی، استفاده از رسانه، دانشجویان واحد علوم و تحقیقات.

۱ دانشجویار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)؛

پست الکترونیکی: Fathi.Soroush@gmail.com

۲ دکتری جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ پست الکترونیکی:

Mehdi.Mokhtarpour@gmail.com

بیان مسئله

بی‌شک مشارکت عمومی و فراگیر مردم یک جامعه در تصمیم‌گیریها و اموری که به نوعی با اهداف سیاسی - اجتماعی آن جامعه مرتبط است، مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است و به نوعی یکی از حقوق دموکراتیک افراد یک جامعه تلقی شده است. از قرن ۱۶ میلادی و به دنبال فروپاشی نظام سیاسی کلیسا و ورود نظریه قرارداد اجتماعی به مباحث سیاسی و تأکید متفکران عصر روشنگری بر دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود، بحث مشارکت سیاسی و جامعه مدنی وارد ادبیات سیاسی مغرب زمین شد. و بر پایه آموزه‌های عصر روشنگری و نظریه قرارداد اجتماعی مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی با اجتماعی شدن سیاست رابطه نزدیکی پیدا کرد. زندگی اجتماعی و سیستم اجتماعی به این خاطر پدیدآمده و گسترش یافته که نیازمندیهای انسان، بقا و تداوم وی را به طور مطلوب و شایسته فراهم سازد (سیف زاده، ۱۳۷۴، ۱۳۷۴). بقای انسان و تداوم حیات وی بعنوان موجودی زیستمند و نیازمند، وابسته به زندگی با دیگران است. انسان در زندگی اجتماعی و گروهی، هویت و شخصیت خود را می‌یابد و در تلاش برای امنیت بخشیدن به زندگی خود، موفقیت‌هایی کسب می‌کند (سیف زاده، ۱۳۷۳، ۹۷). اجتماعی شدن و مشارکت سیاسی در نظام سیاسی عصرنویں همراه با مدرنیته، لازم و ملزوم یکدیگر در امر حاکمیت و حکومت در دنیای نوین دانسته شده‌اند. در بین اندیشه‌های حاکم بر جامعه نوین، مشارکت سیاسی دخالت هرچه بیشتر مردم و گروه‌های اجتماعی در مسائل سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دانسته می‌شود. مشارکت سیاسی در این معنا نوعی اختیار و آزادی عمل فردی است که بوسیله آن نوعی اعمال اراده و قدرت تصمیم‌گیری جمعی که مشروعیت حکومت را تضمین می‌کند دیده می‌شود. کنار گذاشتن خشونت و ناراضیاتی و عمل کردن فرد بر اساس رفتارها و فراگردهای جمعی که نوعی برابری همگانی را می‌طلبد جدای از سیاست مربوط به دخالت شرکتها و یا کلیسا در امور سیاسی مشارکت سیاسی نامیده می‌شود. رابطه متقابل و انتظار از یکدیگر حوزه گسترده‌ای برای مشارکت سیاسی فراهم ساخته که عملکرد فرد در سازمانها و نهادهای جامعه را در گسترده مشارکت سیاسی قرار دهد. همانطور که اشاره شد، مشارکت سیاسی و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملتها دارد و امروز این مفهوم اهمیت دوچندانی پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشه‌گران و صاحب‌نظران بوده است. بگونه‌ای که برخی از صاحب نظران، محور اصلی توسعه بر پایه مشارکت سیاسی استوار است. در این ارتباط لوسین پای توسعه را منوط به گذار موفقیت آمیز نظامها از شش بحران می‌داند که یکی از آنها بحران مشارکت است (پای و دیگران^۱، ۱۳۸۰، ۱۰۵). به باور این صاحب‌نظران، برای توسعه یافتگی ضرورت دارد همواره در سیاست گذارهای کلان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عنصر مشارکت سیاسی را تقویت کنیم. از دیگر سو برای پیشبرد توسعه سیاسی و کاستن از مسائل آن، ضمن توجه به راههای گوناگون و رفع کاستی‌ها، مشارکت افراد را در این زمینه مورد توجه ویژه قرار می‌دهیم. شناخت فعالیت‌های سیاسی جوانان، به دلیل جوان بودن جمعیت کشور، آسیب پذیری این قشر و وابستگی توسعه اقتصادی و سیاسی درهمه

جنبه‌های آن به نیروی جوانان ضروری است، اهمیت ویژگی‌هایی چون تحول‌پذیری و قابلیت انعطاف و تطابق و رشد سریع، استعداد و تحرک آنان باعث گردیده که بعضی از کشورهای در حال توسعه تربیت جوانان را عمده‌ترین مساله آینده و در صدر برنامه‌های ملی خود قرار دهند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۰، ۹). از نگاه هابرماس، دانشجویان به علت عدم نفوذ سیستم گروه‌های ذینفع اقتصادی بر آنان می‌توانند وظیفه مهم جبران سرکوب نظرات اقتصادی بوسیله مطبوعات، احزاب سیاسی و حکومت را القاء کنند (هولاب، ۱۳۷۵، ۱۱۹). همچنین بشیریه معتقد است که نوع زیست دانشجویی، مساعد پیدایش جنبش‌های اجتماعی ضد سستی، رهایی بخش و عدالت خواهانه است (محمدی، ۱۳۷۸، ۲۱۱).

ضرورت و اهمیت تحقیق

بطور کلی اهمیت و ضرورت انجام هر تحقیقی از دو جنبه قابل طرح است: ۱- اهمیت نظری و ۲- اهمیت تجربی و کاربردی. اهمیت نظری هر مطالعه‌ای لزوماً با مفهوم شناخت مرتبط است. هر تحقیقی گستره اطلاعات ما را نسبت به ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه افزایش می‌دهد. این پژوهش به لحاظ نظری ما را با مفهوم مشارکت سیاسی بعنوان مولفه اصلی توسعه سیاسی آشنا نموده رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر را در حوزه توسعه سیاسی مشخص کرده و به ما اجازه می‌دهد تا از نظر گاه خاصی به مقوله مشارکت سیاسی نگریسته و سطح تحلیل‌مان را با برقرار کردن رابطه بین این مفهوم و مفاهیم دیگر در حوزه توسعه سیاسی بالا ببریم. در بیان اهمیت نظری این موضوع باید گفت که در حوزه مربوط به جامعه شناسی سیاسی چهار سطح قابل تفکیک است که یکی از این سطوح را مشارکت سیاسی در بر می‌گیرد. سه سطح دیگر شامل کشمکشها و مناقشات سیاسی بین دولتها یعنی جامعه شناسی روابط بین الملل، ماهیت و نقش دولت در درون جوامع، ماهیت و سازمان جنبشها و احزاب سیاسی می‌باشد (ابراکسی و دیگران ۱۳۶۷: ۲۸۹).

اهمیت تجربی و کاربردی هر پژوهش نیز از جنبه‌های با اهمیت هر تحقیق می‌باشد. زیرا با شناخت دقیق هر مساله و آگاهی از ضعفها و اهمیت برطرف کردن این ضعفها، راه برای مسئولین مربوطه به منظور برنامه ریزی دقیق جهت نیل به اهداف مطلوب فراهم می‌شود. این مساله زمانی برجسته می‌شود که ما با اهمیت و مزیت مشارکت سیاسی و ضررهای کاهش مشارکت سیاسی به خوبی آشنا شویم.

سوالات تحقیق

- آیا بین نگرش دانشجویان نسبت به نظام سیاسی و میزان مشارکت سیاسی آنها رابطه وجود دارد؟
- چه رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان با میزان مشارکت سیاسی آنها وجود دارد؟
- نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی چگونه است؟
- چه عواملی سبب می‌شود میزان مشارکت در سیاست در بین دانشجویان نوسان داشته باشد؟

اهداف تحقیق

الف) هدف اصلی

بررسی تأثیر گذاری پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنها

ب) اهداف فرعی

- ۲- بررسی ارتباط این مفهوم با مفاهیم دیگر در حوزه سیاست
- ۳- بررسی نقش وضعیت اقتصادی دانشجویان بر نحوه و میزان مشارکت سیاسی آنان
- ۴- بررسی نقش متغیرهای اجتماعی دانشجویان بر نحوه و میزان مشارکت سیاسی آنان
- ۵- بررسی نقش برخی متغیرهای جمعیتی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان

مفاهیم اساسی تحقیق

نگرش: یوسف کریمی در کتاب روان شناسی اجتماعی تعاریف متعددی که صاحب نظران از نگرش به عمل آورده اند. نوشته و سپس به تعریف نگرش پرداخته و عناصر آن را بیان نموده که اینجا تعاریف ذکر شده در کتاب ایشان را بیان می نماییم. ترکیب شناخته ها، احساسها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را نگرش شخص نسبت به آن چیز می گویند. نگرش یک حالت روانی و عصبی آمادگی است که از طریق تجربه سازمان یافته، و تأثیری هدایتی یا پویا بر پاسخهای فرد، در برابر کلیه اشیاء یا موقعیتهایی که به آن مربوط می شود دارد. نگرش عبارت ات از واکنش عصبی، مثبت یا منفی، نسبت به یک معنی انتزاعی یا شیء ملموس. یوسف کریمی سه عنصر را در تعریف نگرش بیان کرده است که عبارت است از: ۱- عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخصی در باره ی یک شیء یا اندیشه. ۲- تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگوی به شیوه ای خاص اطلاق می شود. ۳- عنصر احساسی یا عاطفی آن است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد (کریمی، ۱۳۷۳، ۲۹۶-۲۹۵).
نگرش علاوه بر عناصر فوق دارای سه ویژگی است: نخست این که هر نگرش شامل یک شیء مشخص رویداد یا موقعیت است. دوم آن که نگرشها معمولاً ارزشیابی اند و سوم آن که نگرشها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند (همان: ۲۹۶).

ابعاد نگرش

هریک از عناصر نگرش (عنصر شناختی، عنصر عاطفی و عنصر رفتاری) خود دارای دو بعد دیگر هستند: یک نیرومندی یا شدت و دیگری درجه پیچیدگی، چنان که می دانیم یک نگرش می تواند به صورت مخالف یا مطالبی باشد یا به صورت موافق با آن.
ولی این فقط جهت نگرش را نشان می دهد و غالباً ضروری است که ما درجه موافقت یا مخالفت با یک موضوع را هم بدانیم. بنابراین نیرومندی یا شدت، ترکیب جهت و نیرومندی نگرش نسبت به هریک از عناصر ذکر شده است (همان: ۳۱۰)

نگرش سیاسی: باتوجه به مطالب ذکر شده در موردنگرش، می‌توان گفت که نگرش سیاسی، نظرات و دیدگاه افراد چه نظر مثبت و چه منفی نسبت به یک پدیده‌ی سیاسی است. نگرش سیاسی دیدگاه و نظر فردی نسبت به یک مساله سیاسی، فرد سیاسی یا برنامه‌های نظام سیاسی یا کلاً در باره نظام سیاسی است اعم از نظر مثبت یا منفی که ناشی از اطلاع آنها از آن موارد، احساس آنها نسبت به آن موارد یا تمایل به انجام عمل در مورد آنهاست.

(طرز تلقی‌های سیاسی جهت گیری منفی و مثبت در برابر واقعیات سیاسی هستند، طرز تلقی سیاسی آمادگی و یا آمادگی درونی برای انجام عمل بنحوی خاص در برابر پدیده‌ای سیاسی است چه این پدیده‌ها یک ایدئولوژی باشد چه یک نیرو، مساله مرتبط با احزاب یا افراد سیاسی (آلن بیرو، ۱۳۷۰، ۲۷۲).

مشارکت: مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی پیدا کردن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. از دیدگاه جامعه شناسی باید بین مشارکت بعنوان یک حالت یا وضع (امر شرکت کردن) و مشارکت بعنوان یک عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمایز قایل شد، مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و درمعنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروهی را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد، مشارکت اشکال و درجات گوناگونی پیدا می‌کند مانند همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد و شیفتگی، سطوح گوناگونی از مشارکت را می‌توان تمیز داد.

الف) مشارکت در یک یا چندگروه که با توجه به شکل، ماهیت، شدت و فراوانی تماسهای فرد با گروه قابل تعریف است.

ب) از دیدی وسیعتر و با درنظر گرفتن کل جامعه و بخشهای گوناگون سازمان آن، مشارکت به معنای تعلق همراه با فعالیت به مجموعه‌ای از وظایف و هم به معنای امکان سودبردن از آن است. مشارکت اجتماعی دراین صورت عبارتست از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی و گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئولیت‌های سیاسی و مدنی و غیره دراین صورت میزان مشارکت اغلب صورتی از قدرت را مشخص می‌دارد. گروههای فی نفسه دارای مشارکت کم و بیش حائز اهمیتیتی در کل جامعه و درهریک از بخشهای فوق الذکر هستند، مشارکت مفهومی است که مخصوصاً درجامعه شناسی کارکردی مورد استفاده قرار می‌گیرد مرتون تحلیل کارکردهای نهان و آشکار را مخصوصاً درسطح ساختها شامل مباحث زیر می‌داند.

- وضع و شرایط مشارکت کنندگان در ساخت اجتماعی: مشارکت تفاضلی^۱ (به این معناست که مشارکت همه انسانها و گروهها درحیات اجتماعی یکسان و با یک انگیزه صورت نمی‌گیرد).
- معنای عاطفی و شناختی رفتار آنانکه به مشارکت می‌پردازند.
- تمییز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت کنندگان.

جنبه‌های رفتاری منظم که با آن انگیزه‌ها پیوسته‌اند هرچند که مشارکت کنندگان چندان شناختی از آن نداشته باشند) (بیرو، ۱۳۷۰، ۲۵۸ - ۲۵۷).

مشارکت اجتماعی: مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه‌شناسی، باید بین مشارکت بعنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت بعنوان عمل تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی درهستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد. مشارکت می‌تواند اشکال و درجات گوناگونی پیدا کند، نظیر همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی، ایفای نقش‌های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجالی گونه در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش‌ها، تجلی اراده انسانها در تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است.

در اینجا سطوح گوناگونی از مشارکت قابل تمیز است:

الف) مشارکت در یک یا چند گروه که با توجه به شکل، ماهیت، شدت و فراوانی تماس‌های فرد یا گروه قابل تعریف است.

ب) از دیدی وسیع‌تر و با در نظر گرفتن کل جامعه و بخش‌های گوناگون سازمان‌آب، مشارکت به معنای تعلق همراه با فعالیت به مجموعه‌ای از وظایف و هم به معنای امکان سود بردن از آن است.

مشارکت اجتماعی در این صورت، عبارت از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، قبول مسئولیت‌های سیاسی، مدنی و اجتماعی خواهد بود و در این صورت، میزان مشارکت اغلب شکلی از قدرت را مشخص می‌دارد. گروهها فی‌نفسه دارای مشارکت کم و بیش حائز اهمیتی در کل جامعه و در هر یک از بخش‌های فوق‌الذکر، هستند.

مشارکت اجتماعی، مفهومی است که مخصوصاً در جامعه‌شناسی کارکردی و گرایش‌های موجود در آن مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر مرتن^۱ تحلیل کارکرد پنهان و آشکار مخصوصاً در سطح ساخت‌ها باید شامل مباحث زیر باشد:

وضع و شرایط مشارکت کنندگان در ساخت اجتماعی: مشارکت تفاوتی

معنای عاطفی و شناختی رفتار آنان که به مشارکت می‌پردازند.

تمیز بین انگیزه‌های مشارکت و رفتار مشارکت کنندگان

جنبه‌های رفتاری منظم که به این انگیزه‌ها پیوسته‌اند، هرچند که مشارکت کنندگان چندان شناختی از آنان نداشته باشند.

برخی از مولفان، سخن از مشارکت ستیزی رانده‌اند و آن‌را در معنای شیوه نسبتاً خاصی در تقابل بین گروههای مختلف در یک جامعه به کار می‌برند. گروهها در عین ستیز با یکدیگر، ساخت‌های اساسی جامعه

را مورد تردید قرار نمی‌دهند، تمامی آنان، در کل جامعه جذب گردیده به مشارکت در آن می‌پردازند، ضمن آنکه با بعضی از اشکال سازمانی، مدیریت و تصمیمات سیاسی و اقتصادی صاحبان قدرت به مقابله و ستیز برمی‌خیزند، انعقاد میثاقهای جمعی نمونه‌ای از مشارکت ستیزی است (توسلی، ۱۳۸۲، ۶۸-۶۶).

مشارکت سیاسی: از جمله مسائل بسیار مهمی که نظامهای سیاسی با آن مواجه هستند: مشارکت سیاسی است. از این واژه تعاریف متعدد و متنوعی ارائه گردیده است. لستر میلبارث آن را چنین تعریف می‌کند: رفتاری که اثرمی‌گذارد و یا قصد تاثیرگذاری بر نتایج سیاسی دارد (میلبارث^۱، ۱۹۸۱: ۴۳). مشارکت سیاسی مفهومی است که در خود مجموعه از اعمال و رفتارها را دربردارد، شکل، ماهیت گستره و میزان اعمال مشارکتی درمقابل با فرهنگ سیاسی از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد، تعریف دیگر دال براین است که مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست گذاری عمومی است (مک کلاسی^۲، ۱۹۶۸: ۲۳). مایرون وینر^۳ به سهم خودش از مشارکت سیاسی چنین تعریفی ارائه می‌دهد: (مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روشهای مشروع یا نامشروع برای تاثیر بر انتخاب رهبران و سیاستها و اداره امور عمومی درهر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (وینر^۳، ۱۹۷۱: ۱۵۴). مایکل راش تعریفی عام تر و کلی تر از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد: درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

آنچه که در اکثر تعاریف فوق از مشارکت سیاسی، مشترک است خصیصه حاکمیت مردم در انتخابات و دخالت در تصمیم‌گیری‌هاست. عمده‌ترین خصیصه مشارکت سیاسی، حاکمیت مردم درانتخابات و نحوه اداره امور کشور است که به نحوی تعریفی از دموکراسی نیز هست. شواهد اساساً نشان می‌دهد مشارکت سیاسی درتمام سطوح بر طبق، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، ناحیه و محل سکونت و محیط سیاسی یا زمینه‌ای که در آن مشارکت سیاسی صورت می‌گیرد فرق می‌کند. افرادی که بیشتر در معرض ویژگیهای، تقویت کننده قراردادند بیشتر احتمال دارد در سیاست مشارکت کنند تا افرادی که در معرض فشارهای دو سویه هستند و یک نوع تقسیم بندی از مشارکت سیاسی ارائه می‌شود که بیشتر از انواع دیگر مشارکتها با وضعیت کشورهای در حال توسعه (خصوصاً ایران) تطابق دارد. طبقه: برای مارکس طبقه گروهی از مردم هستند که در رابطه مشترکی با وسایل تولید- وسایلی که به کمک آنها معیشت خود را تامین می‌کنند- قراردادند (گیدنز^۴، ۱۳۷۷، ۲۲۳). رویکرد وبر در مورد فشربندی اجتماعی بر پایه تحلیل مارکس بنا گردیده اما وی آن را تا اندازه‌ای تغییر داده و تکمیل کرده است. دو تفاوت اصلی میان این دونظریه است:

الف - با آنکه وبر این نظر مارکس را می‌پذیرد که طبقه بر پایه شرایط اقتصادی که به طور واقعی تعیین شده است بنا می‌گردد ولی عوامل اقتصادی مختلف بیشتری را نسبت به آنچه مارکس شناخته است در شکل گیری طبقه مهم می‌داند.

1 Milbarath

2 Macclosky

3 Weiner

4 Anthony Giddens

بنا بر نظر وبر، تقسیمات طبقاتی نه تنها از کنترل یا فقدان کنترل وسایل تولید بلکه از اختلافات اقتصادی که مستقیماً هیچ رابطه‌ای با دارایی ندارند ناشی می‌شود، این گونه منابع بویژه شامل مهارت‌ها، مدارک و شرایطی است که بر انواع مشاغل که افراد می‌توانند کسب کنند تأثیر می‌گذارد.

ب - وبر دو جنبه اساسی دیگر قشربندی را علاوه بر طبقه تشخیص می‌دهد. او یکی از آنها را پایگاه و دیگری را حزب می‌نامد (همان، ۲۲۵).

پایگاه: پایگاه به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی از نظر احترام یا اعتبار اجتماعی که دیگران برای آنها قائل می‌شوند اطلاق می‌گردد (همان، ۲۲۶).

حزب: عبارتست از گروهی از افراد که بعلت داشتن زمینه‌ها، هدف‌ها یا منافع مشترک همکاری می‌کنند (همان: ۲۲۶)

پایگاه اجتماعی - اقتصادی: عبارتست از موقعیت خاص یک فرد یا افراد یا گروه‌ها در یک نظام اجتماعی یا جایی است که فرد در ساخت اجتماعی - اقتصادی دارد. در این تحقیق پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و دانشجو مطرح است می‌توان گفت که پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، افراد، جایگاهی است که خانواده در ساخت اجتماعی اقتصادی جامعه دارد. عوامل تشکیل دهنده آن عبارتند از: ۱- درآمد خانواده، ۲- تحصیلات پدر و مادر، ۳- شغل پدر و مادر و ۴- محل زندگی

پیشینه نظری و تجربی تحقیق

تحقیقات خارجی

کیلاندرمان و اوگما^۱ چارچوبی را برای مطالعه مشارکت در جنبش‌های اجتماعی ارائه داده‌اند که براساس آن شرکت در جنبش دارای چهار قدم است. آنها براساس این چهارچوب پیشنهادی به مطالعه جنبش صلح هلندی^۲ پرداخته‌اند کیلاندرمان و همکارش این مطالعه را در طول زمان انجام دادند تا چهار قدم مزبور را دنبال کنند. آنها در چهار مرحله از طریق مصاحبه‌های تلفنی و پرسشنامه‌های پستی عوامل موثر در هر مرحله را بررسی کردند. چهار مرحله با فرم مشارکت در جنبش اجتماعی عبارتند از: ۱ - پتانسیل بسیج^۳، ۲ - شبکه‌های گزینش و بکارگیری، ۳- انگیزه مشارکت و ۴- مانع مشارکت. کیلاندرمان و همکار وی برای باروند که پتانسیل بسیج شامل تمام افرادی است که موضع مثبتی به جنبش دارند. در مرحله دوم بسته به اینکه افراد جز پتانسیل بسیج در معرض تلاش‌های بسیج‌گر برای شرکت در جنبش قرار گیرند یا نه، ممکن است برای مشارکت انگیزه شوند یا نشوند. افراد از طریق رسانه‌های عمومی، بستگی سازمانی و علائق دوستی در معرض تلاش‌های بسیج‌گر قرار می‌گیرند. در مرحله سوم فرد تحت وقوع محرکات خاص برای مشارکت انگیزه می‌شوند. در مرحله چهارم اگر مانعی جلو مشارکت فرد در جنبش را نگیرد. فرد در جنبش شرکت می‌کند. کیلاندرمان و همکارش با تحلیل پاسخ‌های بدست آمده از آزمودنی‌های تحقیق به

1 Kilanderman & Oegma

2 Dutch Peace Movement

3 Mobilization Potential

این نتیجه رسیدند که همه افراد جز پتانسیل بسیج در جنبش مشارکت نکردند (کیلاندرمان و اوقما^۱: ۱۹۸۷). آنها در توضیح این مساله از دو مفهوم آمادگی عمومیت یافته، برای کنش و آمادگی تخصیص یافته برای کنش استفاده کردند. به اعتقاد آنها تمام کسانی که دارای آمادگی تعمیم یافته برای کنش هستند به آمادگی تخصیص یافته برای کنش گذر نمی‌کنند. این مساله توسط دو مفهوم گذر^۲ و استحاله^۳ تبیین می‌شود. منظور از عدم گذر عدم مشارکت کسانی است که برای مشارکت آمادگی دارند ولی در گذر از این آمادگی به مشارکت شکست می‌خورند. عدم گذر زمانی اتفاق می‌افتد که فرد آماج تلاشهای بسیج قرار نمی‌گیرد و یا میزان هزینه‌های مشارکت را بیش از فایده‌های آن ارزیابی می‌کند. و یا موانع از مشارکت وی جلوگیری می‌کنند. منظور از استحاله عدم مشارکت کسانی است که زمانی برای مشارکت آماده بودند ولی اذهان آنها تغییر می‌کند و آمادگی برای انجام کنش را از دست می‌دهند. استحاله زمانی اتفاق می‌افتد که نسبت هزینه‌ها به فایده در طول زمان نامطلوب تری شود و یا سمپاتی افراد به جنبش کاهش می‌یابد (کیلاندرمان و اوقما: ۱۹۸۷).

رونالد راپوپرت و والتر استون^۴ تحقیقی را در ارتباط با ۸۰۰ مورد تماس تلفنی که با یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری بنام راس پروت صورت گرفته بود انجام دادند. تحقیق با هدف تعیین سطوح درگیری در مبارزات انتخابی و عوامل موثر بر آن صورت گرفت. پاسخ دهندگان این تحقیق طیفی از گروههای مختلف سنی، جنسی و نژادی، آموزشی، درآمدی، تاهلی و استخدامی را تشکیل می‌دادند. از پاسخ دهندگان در باره هر کدام از نامزدهای ریاست جمهوری و اینکه آیا در گذشته در مبارزات انتخاباتی آینده شرکت داشته اند و یا در آینده خواهند داشت سوالات به عمل آمده که در پایان برخی از متغیرهای مانند نژاد، درآمد خانوادگی تاهل و سن به عنوان عوامل تعیین سطح درگیری در مبارزات انتخاباتی مشخص گردید (راپوپرت و استون، ۱۹۹۲).

تحقیق دیگر مربوط به تحقیق سیدنی وربا و نورمن نای^۵ است که در سال ۲۰۱۴ در مرکز تحقیقات پیمایشی دانشگاه کالیفرنیا انجام داده‌اند و در آن به بررسی تاثیرات و پیامدهای مشارکت شهروندان در نظام سیاسی دموکراتیک پرداخته‌اند در این تحقیق رابطه مشارکت سیاسی و اهمیت مذهب در نزد پاسخ دهندگان، درآمد خانوادگی آنان و نگرش آنها نسبت به موضوعات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است (وربا و نورمن نای، ۲۰۱۴).

تحقیق دیگر از جان اتان سیگل است. هدف این تحقیق بررسی عوامل سیاسی، اجتماعی و شخصیتی است که مشارکت گروههای سیاسی را تسهیل و یا منع می‌کند. سیگل ابتدا به بررسی مشارکت سیاسی و نقش تشکیلات داوطلبانه پرداخته و در طی آن به تحقیقاتی که مبتنی بر مطالعه نقش تشویق‌ها و خود انگیزگی در زندگی سازمان است توجه نشان داده است. این تحقیق در سه قسمت تنظیم گردیده است

1 Kilanderman & Oegma

2 Non-conversion

3 Erosion

4 Rapoport & Stone

5 Nie & Verba

که عبارتند از: ۱ - دلایل عمومی مشارکت شامل دلایل پاسخ دهندگان برای پیوستن و مشارکت در فعالیتهای داخلی (داخل گروه)، شناخت موقعیت گروهی در برابر مسائل مهم و فعالیتهای بین گروهی فرد. ۲ - دیدگاه پاسخ دهندگان در باره مسائل ملی و نهادهای سیاسی. و ۳ - پیش زمینه اجتماعی پاسخ دهندگان (شامل: آموزش ، درآمد، قومیت، شغل ، سن و جنسیت) که هرکدام از موارد سه گانه نمایانگرهای ویژگیهای شخصیتی ، سیاسی و اجتماعی افراد بوده و درتحقیق مذکور نقش هرکدام درتسهیل و یا منع مشارکت بررسی گردیده است (سیگل^۱، ۱۹۸۱).

تحقیق هیلز و مک لید و همکاران تحت عنوان تأثیرات شبکههای مجادلات سیاسی بر روی مشارکت درعرصه عمومی انجام گرفته است که در طی آن یک گروه تحقیقاتی متشکل از: بورلی هیلز ، جک مک لئود ،دیترام شیفل، پاتر تیشاموی و ادوارد هورم ویتز به دنبال تحلیل نقش شبکههای مجادلات سیاسی در مشارکت فرد درعرصه عمومی بوده‌اند. فرض اصلی در این تحقیق این است که هرچه فرد در شبکه ارتباطی ناهمگون به بحث سیاسی بپردازد احتمال بیشتری وجود خواهد داشت که وی به مشارکت درعرصه عمومی اقدام کند. دراین تحقیق اثر شبکه بحث از دو جنبه بر روی مشارکت فرد در عرصه عمومی مورد بررسی قرار گرفته است: ۱- اندازه و وسعت شبکه ارتباطی به معنی شمار افراد و گروههایی که فرد با آنها در ارتباط بوده و به تبادل اطلاعات سیاسی می‌پردازد. ۲ - ناهمگونی شبکه: به معنی تنوع و گونه‌گونی افراد و گروههایی که با فرد در ارتباط است. این تنوع از چهار جنبه تنوع در جنس تنوع در سن تنوع در ایدئولوژی اجتماعی وتنوع دراطلاعات سیاسی در نظر گرفته شده است. اثر متغیر شبکه هم بصورت مستقیم و هم بصورت غیرمستقیم مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است، اثر غیرمستقیم عامل مذکور از طریق سه عامل واسط و میانی تحت عنوان فرایند ارتباط عمومی مورد ارزیابی قرار گرفته که عبارتند از: ۱ - مقدار ارتباط بین شخصی. ۲- مقدار استفاده از رسانه‌های عمومی. ۳- مقدار حساسیت نسبت به رخدادهای سیاسی. علاوه بر متغیرهای بالا محقق چند متغیر دیگر را که بعنوان متغیرهای ثابت و غیرقابل تغییر بوسیله متغیرهای دیگر از آنها نام برده است را در تحقیق وارد کرده که عبارتند از: سن - تحصیلات - درآمد و جنس. نتایج این تحقیق حاکی ازآن است که اولاً از بیان متغیرهای چهارگانه سن، تحصیلات ، درآمد و جنس، متغیر جنسیت هیگانه رابطه‌ای با مشارکت ندارد. ثانیاً ناهمگونی شبکه ارتباطات شخص دارای اثرمعنی‌دار بر مشارکت می‌باشد. ثالثاً استفاده از رسانه‌های عمومی دارای اثر مستقیم بر مشارکت نبوده بلکه تنها از طریق اثر بر روی متغیر بحثهای بین شخص برمشارکت تأثیر گذارده است. رابعاً: ناهمگونی شبکه ارتباطی شخص (متغیر اصلی تحقیق) دارای رابطه مستقیم با مشارکت سیاسی می‌باشد (هیلز و مک لید^۲، ۱۹۹۹).

تحقیقات داخلی

نسرین مصفا استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴ تحقیق میدانی در باره مشارکت سیاسی زنان انجام داده است. این بررسی حالتی توصیفی دارد و همچنین وی نمونه‌گیری خویش را براساس

1 Sigel

2 Hills & Mcleod

اصول خاصی انجام نداده است وی نتیجه گرفته است که بین تحصیلات عالیه و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد و رادیو تلویزیون نقش مهمی را در افزایش آگاهی سیاسی ایفا می‌کند (مصفا، ۱۳۷۴).

اسدی در پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه (مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان رادیو و تلویزیون) در چارچوب یک طرح وسیع تحت عنوان گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران اقدام به یک تحقیق پیمایش در سطح کشور نموده است که نظر سنجی درباره مشارکت اجتماعی و سیاسی نیز در آن گنجانیده شده است. نتایج این نظرسنجی که از نظر روش دقیقتر است حاکی از پایین بودن میزان مشارکت در انجمن‌های و مجامع و نیز شرکت در انتخابات می‌باشد (اسدی، ۱۳۵۶).

روزنامه انقلاب اسلامی در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در دوره اول اقدام به درج نتایج یک نظر سنجی در مورد مشارکت مردم در انتخابات نموده است. چون توضیح چندان در مورد روش نمونه گیری و جمع آوری اطلاعات ارائه نشده است. نتایج آن قابل اعتماد نیست (روزنامه انقلاب اسلامی ۱۳۹۱، شماره ۸۷۳)

داوود رضی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری در استانهای کشور پرداخته شده است. نگارنده این پایان نامه نیز مانند حسین سراج زاده از تئوری مدرنیزاسیون یا نوسازی استفاده کرده است و متغیرهایی که از تئوری نوسازی نشأت می‌گیرند را برای توضیح متغیرهای موثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات به کار گرفته است که در نهایت به نتایج ذیل دست یافته است: ۱- میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری طی شش دوره بین سالهای ۷۲- ۵۸ نوسان داشته است. اما در مجموع روند تغییرات در میزان مشارکت در انتخابات سیر نزولی داشته است. ۲- میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در استانهایی که نسبت افراد معتقد به مذهب شیعه اثنی عشری بیشتر از سایر مذاهب (اهل تسنن و شیعیان) بوده و در استانهایی که جمعیت کمتری داشته و میزان شهرنشینی در آنان پایین تر بوده، بیشتر از استانهای دیگر بوده است. ۳- میزان مشارکت در استانهای مرزی کمتر از دیگر استانها بوده است، این امر در اوایل انقلاب از شدت بیشتری برخوردار بوده است. ۴- از متغیرهای نوسازی عواملی مانند: تورم، بیکاری، شهرنشینی، سواد و جنسیت، هرکدام مقداری از تغییرات میزان مشارکت مردم در انتخابات را توضیح می‌دهند و از آن میان متغیر صنعتی شدن رابطه ضعیف و غیرمعنی دار- متغیر وابسته داشته است. در مجموع عامل سواد و تورم بیشترین تاثیر و متغیر جنسیت کمترین تاثیر را در میزان شرکت در انتخابات داشته است (رضی، ۱۳۷۴).

دیگر تحقیق قابل ذکر در این زمینه، تحقیقی است که توسط آقای طاهر موسوی تحت عنوان مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن انجام گرفته است. وی در این تحقیق از تئوری رابرت دال در توضیح موثر بر مشارکت سیاسی استفاده کرده که این تئوری را بیشتر می‌توان در قالب تئوریهای روانشناسی اجتماعی قرارداد. موضوع مورد مطالعه این محقق نیز انتخابات بوده و سعی کرده است تاثیر برخی از عوامل روانشناختی را بر میزان شرکت در انتخابات بسنجد. نتایجی که از این تحقیق پس از انجام بدست آورده است به این شرح است: ۱- اگر فرد نسبت به پاداشها و مزایای حاصله از آن ارزش بالایی قائل باشد. ۲-

اگر نسبت به اثربخشی فعالیت سیاسی خود اطمینان بالایی داشته باشد. ۳- اگر احساس کند دانش کافی را برای شناخت نامزدهای انتخاباتی کسب کرده است به احتمال زیاد در انتخابات شرکت خواهد کرد. (موسوی، ۱۳۷۷).

تحقیقات نامبرده شده عمدتاً با تمرکز به مطالعه عوامل موثر بر انتخابات و رای گیری صورت گرفته و در آنها توجه چندانی به سطوح فعالیت مشارکت سیاسی نشده بود. گو اینکه بطور کلی تحقیق عمده‌ای در این زمینه انجام نگرفته است. با اینحال اگر بخواهیم تحقیقی را ذکر کنیم که یافته‌های این پژوهش این فرضیه را تایید می‌کند که در سالهای اخیر، تحولی در کارکردها و موقعیت انجمن‌های اسلامی دانشجویان پدید آمد و آنها را به نهادی واسط میان دانشجویان و حکومت، نزدیک ساخته و به سمت فعالیتهای مدنی، سوق داده است (حسام، ۱۳۷۷).

چارچوب نظری تحقیق

نظریه تالکوت پارسونز: طبق الگوی سیستمی پارسونز می‌توان گفت که سه جریان عمده جامعه پذیری، نهادی شدن و کنترل اجتماعی در یک رابطه تعادلی و هماهنگ با یکدیگر عمل می‌کنند. شخصیت افراد و پیرو آن کنشهایشان شکل می‌گیرد. این شکل گیری شخصیتی بر مبنای ارزشهای اجتماعی صورت می‌پذیرد. بنابراین نظام فرهنگی از جمله نظام ارزشها بر نظامهای شخصیتی و اجتماعی اثر عمیق می‌گذارد و نظامهای شخصیتی و اجتماعی نیز بر نظام کنشهای افراد جامعه موثر واقع می‌گردد (رابرتسون^۱، ۱۳۷۲، ۳۶). از نظر پارسونز هر سازمان اجتماعی باید چهار عملکرد زیر را دارا باشد:

۱- حفظ و نگهداری الگوهای فرهنگی بنیانی (آموزش و پرورش و جامعه پذیری با میانجیگری خانواده در بسیاری از جوامع بزرگتر، همین نقش را ایفا می‌کند). ۲- وحدت و انسجام بخشیدن به اعضای خود در کار دسته جمعی هماهنگ (معمولاً دین و نظام قانونی این وظیفه را به عهده دارد). ۳- وصول به اهداف جامعه (که از راه سیاست انجام می‌گیرد). ۴- سازگاری یا انطباق با جامعه (که از طریق اقتصاد انجام می‌پذیرد). نیاز به انجام این وظایف یکی از محدودیتهای هر سازمان اجتماعی و در نتیجه یکی از نخستین عوامل تعیین کننده آن است (توسلی، ۱۳۶۹، ۲۴۷). در تئوری پارسونز فرهنگ به صور مختلفی با سیاست پیوند دارد که به صورتهای زیر با نظام سیاسی مرتبط می‌شود: ۱- انتقال ارزشها ۲- شکل دادن به نهادها ۳- مشروعیت و توجیه ارزشها ۴- تعیین هدفهای جمع و ۵- جامعه پذیری سیاسی در نظریه پارسونز فرهنگ هم خود یک نظام است و هم جزئی از نظام اجتماعی، فرهنگ هم حاوی ارزشهاست و هم حامل ارزشها از نسلی به نسل دیگر. ارزشها نیز به سهم خود هم نهادهای سیاسی را می‌سازند، هم منشأ کنش افراد هستند و هم سازنده هدف جمع. ارزشها کنش افراد از جمله کنش سیاسی آنها را می‌سازند (یو^۲، ۱۳۸۱، ۲۹-۲۸).

1 Robertson

2 Yu

می‌توان گفت آنچه در نظام کنشی، فرهنگ تلقی می‌شود؛ خود به شبکه داخلی جامعه پذیری تبدیل شده و به تشریح فرایندهای کارکردی می‌پردازد که از طریق آنها نشر یافته و به برکت وساطت نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه، درونی و باز تولید شده و به کار انگیزشی فاعل می‌آید (بدیع، ب، ۱۳۷۶، ۴۹).

بدین ترتیب مجموعه فرایندهایی که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد در حکم کارکرد حفظ الگو در جامعه می‌باشد از طریق جامعه پذیری است که فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد. و توسط آنها درونی شده عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز می‌باشد. هرچند رسانه‌های گروهی، سندیکاها، احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۶۹، ۲۵۰).

در واقع انتظارات اجتماعی به طرق مختلف در زمینه‌های اجتماعی متفاوت در دوش انسانها گذاشته می‌شود. این تجربه از طریق فرایند جامعه پذیری صورت می‌گیرد. (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۲۸).

از طرفی کنش متقابل بین خود و دیگری ابتدایی‌ترین شکل نظام اجتماعی است و منظور پارسونز از نظام اجتماعی شبکه کنش میان افراد است که از طریق آن دو نفر یا بیشتر ارتباط می‌یابند، یکدیگر را تحت تاثیر قرارداده و درحد امکان جمعی عمل می‌کنند (توسلی، ۱۳۶۹، ۲۴۸).

پس با توجه به تثبیت وضع چنین نظام مکمل انتظارات است که خود و دیگری باید درمقابل کنش یکدیگر به نحو شایسته واکنش نشان دهد نه اینکه فقط با هم رابطه برقرار کند. و در واقع می‌توان گفت که گرایش به تناسب واکنش هماهنگ گرایش به همنوایی یا الگوهای هنجاری نیز شکل می‌گیرد. (کوزر^۱، ۱۳۷۸، ۹۷).

نظریه گابریل آلموند و سیدنی وریا؛ هرچند نظریات آلموند و وریا در ارتباط با فرهنگ سیاسی مطرح شده است ولی مرور آن می‌تواند مفید باشد آن دو بر عوامل فرهنگی تاکید می‌کنند و شرط اصلی کارایی یک حکومت دموکراتیک را وجود فرهنگ و زندگی مدنی می‌دانند (پاتنام^۲، ۱۳۸۰، ۱۴).

آلموند و وریا معتقدند در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت توسعه سیاسی می‌شود. بنظر اینان می‌توان با بهره‌گیری از مکانیسم‌هایی چون بالا بردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای نقش سیاسی جدید نیز وارد کردن در فرایند تصمیم‌گیری آماده ساخت (قوام، ۱۳۷۹، ۱۸).

در این راستا فرهنگ سیاسی از یک سلسله (ایستار)، اعتقادات و عناصری تشکیل شده است که به نظام سیاسی معنی بخشیده، رفتارهای سیاسی خاصی را سبب می‌شود (چیلکوت^۳، ۱۳۷۷، ۳۴۵).

در واقع آلموند و همکارش وریا در پی پاسخ به این سوال بودند که بنیادهای فرهنگی دموکراسی چیست؟ آنها سعی کردند با اشاره به سه سنتی که در جامعه شناختی سیاسی غرب شکل گرفته است یعنی برداشت فلسفی، جامعه‌شناسی و روانشناختی به این سوال پاسخ دهند.

1 Koser

2 Putnam

3 Chilcote

برداشت فلسفی مبتنی است بر اخلاق سیاسی و اینکه شهروندان باید چگونه رفتاری از خود بروز دهند تا دموکراسی شکل گیرد و برداشت جامعه‌شناسی یعنی مرتبط ساختن دموکراسی به عوامل عمومی دیگر مثل توسعه سیاسی و برداشت روانشناختی یعنی تأکید بر حالات فردی و نوعی گونه‌شناسی روانی از شهروندان به دست دهند (سیف زاده، ۱۳۷۹، ۷۵).

در کتاب فرهنگ مدنی^۱، آلموند و وربا با سه نوع فرهنگ سیاسی را مطرح کرده‌اند. فرهنگ سیاسی کوتاه بینانه با آگاهی اندک از حکومت انتظارات اندک از حکومت و میزان مشارکت سیاسی اندک مشخص می‌گردد؛ فرهنگ سیاسی ذهنی با میزان آگاهی و انتظار بالاتر اما میزان مشارکت اندک و فرهنگ مشارکتی با میزان آگاهی، انتظارات و مشارکت زیاد مشخص می‌گردد (راش^۲، ۱۳۷۷، ۱۰۵).

به نظر آلموند مشارکت شهروندان مبین نحوه بهره‌برداری شهروندان واحد ایستاره‌های مشارکتی مختلف از فرصتهایی است که نهادها و موضوعات در اختیار آنها قرار می‌دهد. شهروندانی که اطلاعات خوبی دارند، به تواناییهای خود بر اعمال نفوذ بر دیگران اعتماد دارند. یا مراتب امور سیاسی هستند. یا خود را موظف به مشارکت می‌دانند. از فرصتهایی که برای مشارکت جستن وجود دارد، استفاده می‌کنند (آلموند^۳، ۱۳۷۷، ۹۹).

آلموند اجتماعی شدن سیاسی را یکی از سه کارکرد در روند نظام سیاسی در جهت ثبات و تعادل سیستم در نظر می‌گیرد. و فرهنگ سیاسی را نتیجه اجتماعی شدن سیاسی می‌داند و تجربه به دست آمده در طول این فرایند است که مهارت‌های لازم را برای تعامل سیاسی در افراد بوجود می‌آورد و افراد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می‌نماید. (راش^۲، ۱۳۷۷، ۶۰).

در نظر کارکردگرایی آلموند و وربا از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فرعی تأکید شده است. همچنین از لحاظ رفتاری معتقد به مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیتهای دسته‌جمعی بر فردگرایی میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی می‌باشند (مهدیخانی، ۱۳۸۰، ۱۸۵).

آنها پیشنهاد می‌کنند با اندازه‌گیری و تعیین میزان تغییر در ساختار اجتماعی، درالگوهای جامعه‌پذیری، در تجدید نظر نسبت به نقش‌های سیاسی، در نرخ تقاضاها، در ایجاد گروه‌های نفوذ، احزاب سیاسی و وسایل ارتباط جمعی در تقسیم کار و کارکرد درون دیوانسالاری، این تغییرات را بعنوان شاخص‌های توسعه سیاسی و در نهایت بتوان بین تقاضاها و تصمیمات سیستم تعادل برقرار کرد (امین زاده، ۱۳۷۶، ۱۰۴). در نهایت از نظر آلموند دولتهای جدید مواجه با ضرورت ایجاد چهار تحول اساسی یا انقلاب هستند.

انقلاب ملی (ایجاد هویت ملی و فرهنگی واحد)

انقلاب اقتدار سیاسی (ایجاد ساخت قدرت دولتی مشروع)

انقلاب رفاهی (توزیع منابع به نحوی عادلانه‌تر)

1 The Civic Culture

2 Rush

3 Almond

انقلاب مشارکت (ورود گروه‌های مختلف در درون زندگی سیاسی) (بشیریه، ۱۳۸۰، ۳۸).

نظریه لیپست^۱: سیسور ماتین لیپست از جامعه‌شناسان سیاسی مهم آمریکاست. وی ابتدا متأثر از محیط علمی و اطرافیانش دارای اندیشه چپ سوسیالیستی بود. اما با گذشت زمان اندیشه‌های او بیشتر به راست متمایل گشت و این زمانی بود که وی از مشاهده حکومت‌های دولت مدار و ضددموکراتیک در بلوک شرق و شوروی سرخورده شد. از آن پس بیشتر مطالعات او مربوط به این شد که چه عواملی باعث پیشبرد دموکراسی است و چه عواملی برخلاف آن عمل می‌کند. چون او در عمل دید که رویای سوسیالیسم جوانی او قابل تحقق نیست پس به دنبال عواملی گشت که دموکراسی موجود را بهتر حفظ کند. او بیشتر اندیشه‌هایش را در ارتباط با دموکراسی و زمینه‌های آن را در کتاب "انسان سیاسی" آورده است. در حالی که وبر بیش از هرچیز به ویژگی‌های منحصر به فرد آلمان و پارسونز به ویژگی‌های خاص آمریکا توجه داشت. لیپست آشکارا و پیوسته، به مقایسه ملت‌ها توجه نشان می‌داد. لیپست کوشید سرخ‌های بیاید که به تعیین احتمال ظهور نیروهای دموکراتیک در بلوک شرق و رویارویی آنها با کمونیسم کمک کند. و درعین حال، می‌خواست بداند انگیزه دموکراتیک تاچه حد ممکن است الهام بخش ملت‌های جدید پس از دوره استعمار گردد. بطور خلاصه، او علاقمند به شناسایی عواملی بود که به پیش رفت دموکراسی یا کند کردن حرکت آن کمک می‌کردند (کیوستو^۲، ۱۳۷۸، ۱۰۳). دموکراسی در اثر لیپست به گونه‌ای نظام سیاسی اطلاق می‌شود که بطور منظم فرصت‌های قانونی را برای تغییر مقامات حاکم ارائه نموده و به مردم اجازه می‌دهد از طرق انتخاب صاحبان مناسب سیاسی، در تصمیم‌گیری‌های عمده اعمال نفوذ نمایند. (سو، ۱۳۷۸، ۶۷).

لیپست میزان توسعه اقتصادی هرملت را مهمترین و اساسی ترین پیش شرط برقراری دموکراسی می‌داند به نظر او، کشورهای دموکراتیک تر نسبت به کشورهای که سطح دموکراسی در آنها پایین تر است، از متوسط ثروت بالاتر، درجه صنعتی شدن و شهرنشینی بیشتر و سطح تحصیلات بالاتر برخوردارند، وی با اشاره به "لرنر" این نظر وی را می‌پذیرد که این درجه همبستگی بالا (بین متغیرهای یاد شده و متغیرهای دموکراسی) ممکن است محصول مراحل مختلف نوسازی باشد که از شهرنشینی آغا شده و به دنبال آن گسترش سواد و وسایل ارتباط جمعی پیش می‌آید و نهایتاً به پیدایش نهاد دموکراتیک مشارکت می‌انجامد (همان: ۶۸). لیپست توسعه اقتصادی را که منجر به پدید آمدن طبقه متوسط فراگیر با ثبات و راضی می‌شد شرط لازم اما ناکافی برای دموکراسی می‌دانست. عوامل دیگری نیز اهمیت اساسی دارند. از جمله نقش مهمی که برای ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. دموکراسی بر فرهنگی تکیه دارد که آرمان‌های برابری خواهانه، مدارا، به رسمیت شناختن مخالف، نارضایتی سیاسی، اعتقاد به آزادی بیان و اجتماعات و احترام به حکومت قانون و حقوق اساسی بشر را رواج می‌دهد. دموکراسی نیازمند رهبری توانمند سیاسی، احزاب سیاسی نیرومند و پرشور، شهروندان آگاه و نهادهای سیاسی موثر و کارآمد است. بطور خلاصه، بادر نظر گرفتن این شرایط متعدد چنین می‌نماید که دموکراسی آسان بدست نمی‌آید و شهروندان باید برای حفظ شرایطی که بقای آن را تامین می‌کند بکوشند (کیوستو: ۱۳۷۸: ۱۰۵).

1 Lipset

2 Kivisto

او در بحثی که راجع به دموکراسی ارائه می‌دهد بین ساختار طبقاتی و دموکراسی رابطه برقرار می‌کند. به نظر او، در نظام دموکراتیک، ساختار طبقاتی را می‌توان بجای نمودار سه گوش یا قاعده بزرگ به مانند الماس تصویر کرد (لیپست^۱، ۱۹۶۳: ۵۱). او ساختار طبقاتی ضد دموکراتیک را شامل نخبگان کم، طبقه متوسط و اکثریت توده می‌داند و ساختار طبقاتی دموکراتیک را شامل ثروتمندان و تهیدستان کم و طبقه متوسط در سطح اکثریت می‌داند (کیوستو، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

نظریه چارلز هورتن کولی: از نظر کولی ذهن پدیده‌ای اجتماعی است که در پویش اجتماعی تکوین می‌یابد. طی این پویش ذهنی همواره با رشد تجربیات افراد غنی‌تر گشته، توسعه می‌یابد. خود از نظر کولی مرکز و کانون ذهنی است که دارای دو وضعیت است: ۱- وضع ذهنی خود که من فاعلی تشکیل دهنده آن است. ۲- وضع عینی خود یا من برتر یا من مفعولی که جنبه اجتماعی خود است. خود ذهنی، عکس‌العمل آگاهانه تحریک است و آگاهی هر شخص را متجاسم می‌کند، خود ذهنی بخشی از خود است که در تلاش یافتن عکس‌العمل خود آینه‌ای خویش در پاسخهای دیگر مردم است. درحالی که خود عینی کاملاً جنبه اجتماعی دارد و وابسته به اجبار اجتماعی و قوانین اخلاقی و انتظارات دیگران است. به اعتقاد کولی خود اغلب یک خود اجتماعی است. یک خود آینه‌ای که متکی بر سه عنصر اصلی است: ۱- تصور حضور ما برای سایر اشخاص ۲- تصور قضاوت آنها از حضور ما و ۳- برخی اقسام خود - احساسی نظیر غرور، فخر یا خرسندی. درواقع به نظر کولی هر انسانی در ذهن دیگری حضور دارد و همین درک حضور سبب می‌شود که هر فرد اجتماعی خویش را ادراک یا احساس کند و رفتار خود را براساس همین حضور در ذهن دیگران تعیین کند و جهت دهد و یا انعکاس یا آینه‌ای است که دیگران در آن منعکس‌اند (توسلی، ۱۳۶۹، ۲۹۸-۲۹۷). مفهوم دیگری که کولی مطرح می‌کند گروه تحسین است، مطابق نظر او گروه نخستین گروهی رودر رو است که در پیوند دادن کنشگر به جامعه گسترده‌تر نقشی اساسی دارد. گروه‌های نخستین جوانان که بیشتر گروه خانوادگی و گروه همسالان هستند، نقشی حیاتی دارند. اساساً در چهارچوب گروه نخستین است که خود آینه‌ای پدیدار می‌شود و فرد خود محور یاد می‌گیرد که دیگران را بحساب آورد و از این طریق به یک عضو سهیم در جامعه تبدیل می‌شود (رتیزر^۲، ۱۳۷۴، ۷۱).

از نظر کولی دموکراسی فقط در گروه‌های نخستین وجود دارد، گروه نخستین پایه و اساس کلیه اصول اخلاقی در مناسبات بشر است و دموکراسی از گروه‌های نخستین به سراسر جهان واقعی سرایت می‌کند. مدل رابرت دال: کل تبیینی که دال از مشارکت سیاسی عمل می‌آورد قابل تلخیص در موارد زیر است: اگر مردم در ارزشیابی خود متوجه شوند که پاداشی که از درگیریهای سیاسی بدست می‌آید از پاداش دیگر فعالیتها ناچیزتر است حتماً کمتر در سیاست درگیر می‌شوند.

هرگاه شخصی بین شقوق پیش روی خود تفاوت بارزی احساس نکند و به آنها اهمیت ندهد کمتر به سیاست خواهد پرداخت. برای مثال کسانی که می‌گویند مهم نیست کدام حزب در انتخابات برنده شود. ممکن است کمتر از کسانی که با انتخابات و نتیجه‌آن و برنده شدن حزب بخصوص اهمیت می‌دهند مشارکت می‌کنند.

هرگاه انسان فکر کند که هرگونه اقدام وی در علم سیاست بی‌اهمیت بوده و نمی‌تواند منشاء تغییرات باشد هرگز وارد آن نمی‌شود.

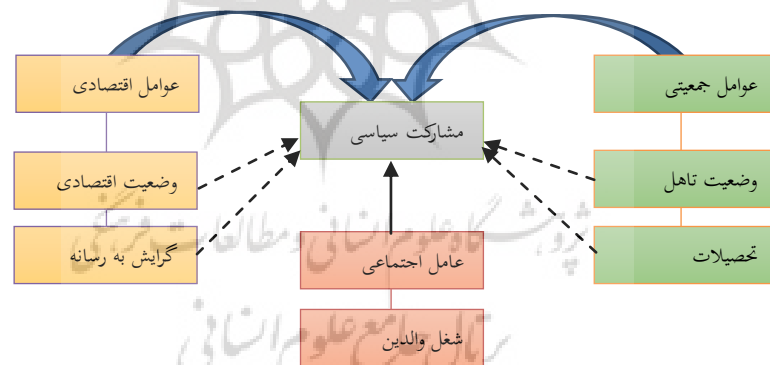
هرگاه مردم معتقد باشند که بدون مداخله آنها نتایج اقدامات سیاسی رضایت آنها را تامین می‌کند مشارکت آنها در سیاست کم می‌شود.

هرگاه شخصی فکر کند که دانش سیاسی او محدودتر از آن است که بتواند با وارد شدن در سیاست در کارآمدی سیاسی کافی برسد ترجیح خواهد داد کمتر در آن مشارکت کند.

هرچه مشکلات وارد شدن در سیاست بیشتر باشد احتمال مشارکت کمتر می‌شود (تاج زاده، ۱۳۷۴، ۲۰-۱۸)

نظریه دیوید سیلر: در زمینه ارتباط مشارکت و دموکراسی به این مطلب اشاره می‌کند که مشارکت کلیه افراد جامعه در اداره امور سیاسی یکی از آرمانهای اصلی دیدگاههای کلاسیک دموکراسی است (سیلر، ۱۹۸۸: ۲۶۳-۲۵۳) به اعتقاد فلاسفه سیاسی درگیر ساختن تعداد زیادی از مردم در حکومت ثبات و نظم را افزایش می‌دهد. مشارکت سیاسی بعنوان یکی از مفاهیم اساسی دموکراسی در اکثر تعاریف داده شده از یکی از شاخصهای لازم دموکراسی بوده و یکی از اهداف جوامعی که برای نهادینه کردن نظام دموکراسی تلاش کرده‌اند. رسیدن به سطحی از مشارکت سیاسی بوده است.

مدل نظری تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد که بین وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی او رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین نوع شغل والدین و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد که بین وضعیت اقتصادی خانواده و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

دانشکده	تعداد دانشجویان	حجم نمونه با انتساب متناسب ^۱
علوم پایه	۳۰۱۲	$n_1 \frac{N_1}{n} = \frac{3012}{9729} \times 370 = 114$
فنی و مهندسی	۳۶۱۷	$n_2 \frac{N_2}{n} = \frac{3617}{9729} \times 370 = 138$
علوم انسانی	۳۱۰۰	$n_3 \frac{N_3}{n} = \frac{3100}{9729} \times 370 = 118$

بنابراین حجم نمونه انتخاب شده برای سه دانشکده مورد بررسی مطابق جدول زیر می‌باشد:

رشته	تعداد دانشجویان	سهمیه متناسب با حجم
دانشکده علوم پایه	۳۰۱۲	۱۱۴
دانشکده فنی و مهندسی	۳۶۱۷	۱۳۸
دانشکده علوم انسانی	۳۱۰۰	۱۱۸

بنابراین با استفاده از جدول توزیع فراوانی داده‌ها و مشخص شدن تعداد افراد هر طبقه، پاسخ گویان به پرسشنامه در نظر گرفته شده به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند.

تعریف متغیرها

متغیر وابسته: در این تحقیق مشارکت سیاسی بعنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. مشارکت سیاسی دارای تعاریف مختلفی می‌باشد. برخی از محققین آن را بصورت خاص و خرد و برخی دیگر آن را به صورت عام و کلی تعریف کرده‌اند. همانطور که مشارکت سیاسی دارای تعاریف متعددی است. برای سنجش آن نیز شاخص‌های متعددی عنوان شده است. که سنجش همه آنها مشکل است. به همین خاطر با توجه شاخص‌هایی که میلبراث و دال از مشارکت سیاسی عنوان کردند و در قبل نیز ذکر شده است. محقق شاخص را از میان آنها انتخاب کرد. اساس این شاخصها، سوال از اهل فن و عمومیت آنها در جامعه دانشجویی بوده است. در نهایت چند شاخص برای سنجش مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت.

شرکت در راهپیمایی

شرکت در جلسات و سخنرانیهای سیاسی

شرکت در انتخابات

فعالیت در ستادهای انتخاباتی

شرکت و فعالیت در تشکلهای سیاسی دانشجویی

کوشش برای اقناع دیگران در ارتباط با مسأله‌ای سیاسی که خود به آنها اعتقاد دارید

خواندن بخشهای سیاسی مجلات و روزنامه‌ها

دیدن و شنیدن برنامه‌های سیاسی

متغیرهای مستقل

وضعیت تاهل: منظور مجرد بودن یا متأهل بودن پاسخگوست که متغیری اسمی است.

وضعیت تحصیلی: در این تحقیق وضعیت تحصیلی بعنوان متغیر مستقل در دو سطح مورد استفاده قرار گرفت یکی در سطح رتبه‌ای و دیگری در سطح فاصله‌ای. تحصیلات در سطح رتبه‌ای برای توصیف متغیر مورد استفاده قرار گرفت. در این سطح تحصیلات پاسخگو در دو سطح فوق لیسانس و دکترا مدنظر بوده است. تحصیلات والدین پاسخگو در هفت سطح بی‌سواد، ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا مدنظر بوده است. همچنین در این تحقیق برای تبیین رابطه بین تحصیلات و مشارکت سیاسی، از تحصیلات در سطح فاصله‌ای استفاده شده است. در اینجا تعداد کلاس‌هایی که پاسخگو و والدین او در زمان پاسخ دادن داشته و یا دارند مدنظر بوده است. و در پرسشنامه هم سال چندم برای پاسخگو و تعداد کلاس برای والدین پرسیده شده است. بنابر این آنگونه که پیداست در این تحقیق رابطه تحصیلات فرد، پدر و مادر فرد با مشارکت سیاسی او مورد بررسی قرار گرفت.

وضعیت اقتصادی خانواده: منظور موقعیت اقتصادی خانواده فرد در جامعه می‌باشد. در این تحقیق موقعیت اقتصادی برای توصیف متغیر در سه سطح پایین، متوسط و بالا در سطح تریبیتی مورد استفاده قرار گرفت. و برای تبیین رابطه این متغیر با مشارکت سیاسی در سطح فاصله‌ای مورد استفاده قرار گرفته است.

نوع مسکن: که در چهار سطح ملکی - رهنی - استیجاری - سازمانی در نظر بوده است.

میزان درآمد ماهیانه خانواده: منظور میزان مبلغ دریافتی والدین خانواده در قبال ارائه خدمات است که عین درآمد توسط پاسخگویان ذکر شد.

نوع خودرو: در این متغیر نوع خودروی خانواده در صورت دارا بودن مدنظر بوده است.

امکانات خانواده: منظور دارا بودن وسایل اولیه زندگی و لوکس زندگی بوده است. بطور مثال، موبایل،

اینترنت پرسرعت، رایانه، ماهواره،

وضعیت شغلی: در این تحقیق وضعیت شغلی هم برای پاسخگو و هم برای والدین او مدنظر بوده است. منظور از وضعیت شغلی پاسخگو وضعیت فعالیت دانشجویی به غیر از تحصیل است که در قبال انجام آن درآمد کسب می‌کند که در این تحقیق به دو دسته شاغل و غیرشاغل تقسیم می‌شود، شاغل کسی است که به غیر از امر تحصیل مشغول به انجام فعالیتی دیگری است که از قبال آن کسب درآمد می‌کند و بیکار کسی است که به هیچ فعالیتی غیر از تحصیل مشغول نیست. و منظور از وضعیت شغلی والدین دولتی و غیردولتی بودن فعالیت شغلی آنهاست. به این معنی که در صورت شاغل بودن والدین، فعالیت شغلی

آنها مربوط به امور دولتی است یا غیردولتی با توجه به مطالب ذکر شده این متغیر در سطح اسمی مورد بررسی قرار گرفت.

استفاده از وسایل ارتباط جمعی (گرایش به رسانه‌ها): در این تحقیق منظور مقدار زمانی است که پاسخگویان در یکسال گذشته به استفاده از مطبوعات، تلویزیون (سریالها و برنامه‌های تفریحی)، تلویزیون (برنامه‌های سیاسی و خبری)، رادیوهای خارجی، ماهواره کتب و مجلات سیاسی اختصاص داده‌اند. تاکید اصلی در این متغیر سنجش میزان سمت‌گیری افراد به انواع رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی است. هرچند در متغیر قبلی استفاده از این وسایل مدنظر بوده است.

روایی (اعتبار) و پایایی

جهت مشخص کردن روایی این پرسشنامه از اعتبار محتوا (content validity) استفاده شده است، به این صورت که پس از تهیه پرسشنامه و قبل از اینکه بصورت نهایی اجرا شود پرسشنامه را به تعدادی از اساتید و دانشجویان دانشکده‌های مورد نظر در دانشگاه علوم و تحقیقات تهران به عنوان داور داده شده است و پرسشنامه و سوالات آن به جهات مختلفی چون قابل سنجش بودن، مفهوم بودن، ساختمان بودن، و جهات دیگر مورد بررسی و داوری قرار گرفت و در نهایت برخی سوال‌ها از پرسشنامه حذف و برخی سوالات دیگر به پرسشنامه اضافه شد. در این تحقیق برای تعیین پایایی از آزمون کرونباخ با استفاده از ضریب آلفا استفاده شده است.

تعداد گویه‌ها (سوالات)	آلفای کرونباخ
۶۸	۰/۷۶

یافته‌های تحقیق

به نظرمی‌رسد که بین وضعیت تاهل و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. جدول زیر میانگین مشارکت سیاسی دانشجویان را برحسب وضعیت تاهل مقایسه می‌کند. آن گونه که در جدول آمده است میانگین مشارکت سیاسی متأهلین بیشتر از میانگین مشارکت سیاسی مجردین می‌باشد. مقدار F بدست آمده ۳/۵۲ است. R^2 برابر با ۰/۱۴ می‌باشد. یعنی این متغیر بدون کنترل متغیرهای دیگر به تنهایی ۱۴ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده است و جدول دارای سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد می‌باشد.

وضعیت تاهل	فراوانی	میانگین	R	R2	مقدار F	sig
مجرد	۲۶۶	۷۴/۴۶	۰/۳۷۸	۰/۱۴	۳/۵۲	۰/۰۰۱
متأهل	۱۰۴	۹۸/۳۲				

به نظرمی‌رسد که بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی اورابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول زیر نشان دهنده بررسی رابطه بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی او می باشد. فرض ضمنی ما بر این است که هر چه تحصیلات فرد بیشتر شود، مشارکت سیاسی او نیز بیشتر می شود. برای بررسی این فرضیه از تحلیل رگرسیونی ساده استفاده شده است. همانگونه که از جدول استنباط می شود با توجه به R^2 بدست آمده و مقدار T و سطح معنی داری بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی او رابطه معنی دار وجود دارد.

نام متغیر	R	R^2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
تحصیلات	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۷۸۱	۰/۴۹۸	۰/۳۴	۰/۴۶	۰/۰۰۳

به نظر می رسد که بین نوع شغل والدین و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی داری وجود دارد. جدول زیر نشان دهنده مقایسه میانگین های مشارکت سیاسی برحسب نوع شغل والدین می باشد. همانگونه که در جدول آمد بین این متغیر و مشارکت سیاسی پاسخگو رابطه معنی دار وجود دارد. این جدول نشان می دهد که مشارکت سیاسی افرادی که والدیشان در بخش دولتی مشغول به کار بوده اند ۷۱/۰۴ بوده و میانگین مشارکت سیاسی افرادی که والدیشان در بخش غیردولتی مشغول به کار بوده از ۹۸/۵۶ بوده است. مقدار F بدست آمده ۳/۰۱ است و R^2 بدست آمده نشان می دهد که این متغیر به تنهایی و بدون کنترل متغیرهای دیگر ۷۴ صدم درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده است. جدول با سطح معنی داری بدست آمد معنی دار می باشد.

نوع شغل	فراوانی	میانگین	R	R^2	مقدار F	sig
دولتی	۱۳۰	۷۱/۰۴	۰/۲۷	۰/۰۷	۳/۰۱	۰/۰۰۰
غیر دولتی	۳۹	۹۸/۵۶				

به نظر می رسد که بین وضعیت اقتصادی خانواده و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی داری وجود دارد. جدول زیر بیانگر همبستگی بین وضعیت اقتصادی خانواده و مشارکت سیاسی فرد می باشد. فرض ضمنی ما بر این بوده است که هرچه وضعیت اقتصادی خانواده بالاتر رود، مشارکت سیاسی فرد نیز بالاتر می رود. برای تست این فرضیه از تحلیل رگرسیونی ساده استفاده شده است. ضریب تعیین (R^2) بدست آمده بیانگر این است که ۲۴/۰ از تغییرات متغیر وابسته ناشی از وضعیت اقتصادی خانواده فرد می باشد. ضریب Beta بیانگر این است که رابطه بین وضعیت اقتصادی خانواده فرد و مشارکت سیاسی او منفی بوده است. به این معنی که هر چه وضعیت اقتصادی فرد بالاتر می رود مشارکت سیاسی او کمتر می شود. ضریب B بیانگر آن است که به مقدار یک واحد افزایش در وضعیت اقتصادی خانواده فرد به میزان ۱/۰۵۳ از مشارکت سیاسی او کم می شود. همچنین با توجه به T بدست آمده و سطح معنی داری فرضیه ما در سطح ۹۹ درصد معنی داری تأیید می شود.

نام متغیر	R	R2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۴۹	۰/۲۴	۰/۴۱۳	-۱/۰۵۳	-۱/۱۱۰	-۲/۳۷	۰/۰۰۴

به نظرمی‌رسد که بین میزان گرایش به سمت رسانه‌ها و مشارکت سیاسی فرد رابطه معنی‌داری وجود دارد. جدول زیر بیانگر رابطه بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی است. فرض ضمنی ما در این تحقیق بر این بوده است که هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر شود مشارکت سیاسی فرد نیز بیشتر می‌شود ضریب تعیین (R2) بدست آمده نشان می‌دهد که ۰/۰۷ از تغییرات متغیر وابسته ناشی از استفاده از وسایل ارتباط جمعی است. ضریب B بدست آمده نیز بیانگر آن است که به میزان هر واحد تغییر در متغیر مستقل ۲/۶۳ بر میزان متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) افزایش می‌یابد. ضریب Beta بدست آمده نشان می‌دهد که جهت رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی مثبت می‌باشد. یعنی هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر شود مشارکت سیاسی نیز بیشتر می‌شود. همچنین با توجه به مقدار T جدول و سطح معنی داری بدست آمده رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار بوده و فرضیه تأیید می‌شود.

نام متغیر	R	R2	خطای استاندارد	ضریب B	Beta	مقدار T	سطح معنی داری
استفاده از رسانه‌ها	۰/۲۷	۰/۰۷	۰/۲۸۷	۲/۶۳	۰/۳۲	۶/۴۹	۰/۰۰۰

جدول زیر شاخص‌های آماری متغیرهای وارد شده به معادله را نشان می‌دهد.

ردیف	نام متغیر	سطح معنی داری
۱	استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۰۰۰
۲	وضعیت اقتصادی	۰/۰۰۰
۳	وضعیت تأهل	۰/۰۰۱
۴	تحصیلات فرد	۰/۰۰۳
۵	شغل پدر و مادر (دولتی یا غیردولتی)	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

جدول میانگین مشارکت سیاسی دانشجویان برحسب وضعیت تأهل نشان می‌دهد که میانگین مشارکت سیاسی متأهلین بیشتر از میانگین مشارکت سیاسی مجردین می‌باشد. مقدار F بدست آمده ۳/۵۲ است. R2 برابر با ۰/۱۴ می‌باشد. یعنی این متغیر بدون کنترل متغیرهای دیگر به تنهایی ۱۴ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده است و جدول دارای سطح معنی داری بیش از ۹۹ درصد می‌باشد. فرض ضمنی ما بر این است که هر چه تحصیلات فرد بیشتر شود، مشارکت سیاسی او نیز بیشتر می‌شود. برای بررسی این فرضیه از تحلیل رگرسیونی ساده استفاده شده است. بررسی رابطه بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی او نشان می‌دهد با توجه به R2 بدست آمده و مقدار T و سطح معنی داری بین تحصیلات فرد و مشارکت سیاسی او رابطه معنی دار وجود دارد. جدول مقایسه میانگین‌های مشارکت سیاسی برحسب نوع شغل والدین نشان می‌دهد بین این متغیر و مشارکت سیاسی پاسخگو رابطه معنی دار وجود دارد. این

جدول نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی افرادی که والدینشان در بخش دولتی مشغول به کار بوده اند ۷۱/۰۴ بوده و میانگین مشارکت سیاسی افرادی که والدینشان در بخش غیردولتی مشغول به کار بوده از ۹۸/۵۶ بوده است. مقدار F بدست آمده ۳/۰۱ است و R2 بدست آمده نشان می‌دهد که این متغیر به تنهایی و بدون کنترل متغیرهای دیگر ۷۴ صدم درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده است. جدول با سطح معنی‌داری بدست آمد معنی دار می‌باشد. فرض ضمنی ما براین بوده است که هرچه وضعیت اقتصادی خانواده بالاتر رود، مشارکت سیاسی فرد نیز بالاتر می‌رود. برای تست این فرضیه از تحلیل رگرسیونی ساده استفاده شده است. جدول همبستگی بین وضعیت اقتصادی خانواده و مشارکت سیاسی فرد می‌باشد. ضریب تعیین (R2) بدست آمده بیانگر این است که ۰/۲۴ از تغییرات متغیر وابسته ناشی از وضعیت اقتصادی خانواده فرد می‌باشد. ضریب Beta بیانگر این است که رابطه بین وضعیت اقتصادی خانواده فرد و مشارکت سیاسی او منفی بوده است. به این معنی که هر چه وضعیت اقتصادی فرد بالاتر می‌رود مشارکت سیاسی او کمتر می‌شود. ضریب B بیانگر آن است که به مقدار یک واحد افزایش در وضعیت اقتصادی خانواده فرد به میزان ۱/۰۵۳ از مشارکت سیاسی او کم می‌شود. همچنین با توجه به T بدست آمده و سطح معنی داری فرضیه ما در سطح ۹۹ درصد معنی داری تأیید می‌شود. فرض ضمنی ما در این تحقیق بر این بوده است که هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر شود مشارکت سیاسی فرد نیز بیشتر می‌شود. ضریب تعیین (R2) بدست آمده نشان می‌دهد که ۰/۰۷ از تغییرات متغیر وابسته ناشی از استفاده از وسایل ارتباط جمعی است. ضریب B بدست آمده نیز بیانگر آن است که به میزان هر واحد تغییر در متغیر مستقل ۲/۶۳ بر میزان متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) افزایش می‌یابد. ضریب Beta بدست آمده نشان می‌دهد که جهت رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی مثبت می‌باشد. یعنی هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر شود مشارکت سیاسی نیز بیشتر می‌شود. همچنین با توجه به مقدار T جدول و سطح معنی داری بدست آمده رابطه بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت سیاسی در سطح بیش از ۹۹ درصد معنی دار بوده و فرضیه تأیید می‌شود.

نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که استفاده از وسایل ارتباط جمعی، وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت تأهل، تحصیلات فرد و شغل پدر و مادر (دولتی یا غیردولتی) بر مشارکت سیاسی تأثیرگذارند و شرایط ورود به معادله رگرسیونی را دارا بوده اند، این متغیرها به ترتیب تأثیرگذاری و اهمیت شان در تبیین متغیر وابسته عبارتند از: وضعیت اقتصادی خانواده، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و رسانه ها، وضعیت تأهل، تحصیلات فرد و شغل پدر و مادر. در کل این متغیرها توانسته اند ۵۴٪ از مشارکت سیاسی پاسخگویان را تبیین کنند.

پیشنهادهات

این پیشنهاد مربوط به مسئولین دانشگاه جهت تسهیل در امور تحقیق می‌باشد. مسئولین دانشگاه جهت تسهیل امر تحقیق با حمایت‌های مالی مناسب، هماهنگی‌های مناسب بین دانشگاهی، فراهم کردن منابع مرجع و ... و مواردی از این قبیل می‌توانند راه را برای انجام تحقیقات بهتر دانشگاهی هموار کنند.

پیشنهاد می‌شود که جهت تقویت مبانی سیاست‌گذاری در راستای توسعه مشارکتهای سیاسی، در تصمیم‌گیریها و برنامه‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از وجود حضور و نظرات کارشناسانه قشر فرهیخته و دانشجویان تحصیلات تکمیلی، استفاده بیشتری شود.

پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه، هرچه میزان رضایت دانشجویان از حکومت بیشتر باشد، گرایش بیشتری برای مشارکت سیاسی در امور جامعه ازخودنشان خواهد داد. لذا انجام اقداماتی در جهت افزایش رفاه عمومی و آسایش قشر تحصیلکرده، ایجاد اشتغال مناسب برای آنان، توسعه خدمات و امکانات آموزشی، فرهنگی و تفریحی و ایجاد مراکزی برای استفاده از پیشنهادات آنان درجهت خدمت‌رسانی بهینه دولت می‌تواند در راستای جلب مشارکت سیاسی بیشتر آنها موثر واقع شود.

پیشنهاد می‌شود برنامه ریزی برای جلب مشارکت دانشجویان از جانب دستگاههای دولتی و مدیریتی، بر مبنای نیازهای واقعی دانشجویان و در راستای اهداف قابل دستیابی باشد.

منابع

- آبراکسی، نیکلاس، ترنرایان (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش.
- اسدی، علی (۱۳۵۶)، گرایشهای فرهنگی و نگرشهای اجتماعی در ایران، بی‌جا، بی‌نام.
- اوپنهایم، آ. ان، (۱۳۷۵)، طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها، ترجمه مرضیه کریم نیا، شهر: نشر آستان بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش سیاسی، چاپ اول، تهران، نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، برخی ملاحظات نظری در ارتباط با مشارکت، رقابت و توسعه، مشارکت سیاسی، گردآورنده علی اکبر علیخانی، چاپ اول، تهران، نشر سفید.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، بی‌تفاوتی اجتماعی، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، جامعه شناسی سیاسی چاپ اول، تهران، نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، انقلاب و بسیج سیاسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۵)، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروههای حاکم در دوره پهلوی، فصلنامه نقد و نظر، سازمان تبلیغات اسلامی، سال دوم، شماره ۳ و ۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، حدود و موانع مشارکت زنان در زندگی سیاسی، مجله پیام هاجر، سال ۱۷، بهار ۱۳۷۶.
- بلوم، ویلیام (۱۳۷۴)، بنیادهای اجتماعی دموکراسی و ترجمه گروه مترجمین، فرهنگ و توسعه، سال چهارم، شماره ۱۹.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰)، بحرانها و توالیها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاج زاده، مصطفی (۱۳۷۴) فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

ترنر، جاناتان اچ (۱۳۷۱) ، پیدایش نظریه جامعه شناختی ، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده ، چاپ فرهنگ شیراز ، چاپ اول ، جلد دوم.
توسلی ، غلامعباس ، (۱۳۸۲) ، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک ، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران ، تهران.

چلبی ، مسعود (۱۳۷۵) ، جامعه شناسی نظم، تهران، نشرنی، چاپ اول.
چیلکوت ، رونالد ، (۱۳۷۷) ، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای ، ترجمه وحید بزرگی ، و علی رضا طیب ، تهران ، موسسه خدمات فرهنگی رسا.

حسام، فرحناز ، تحلیل اجتماعی نهادهای مدنی در ایران (مطالعه انجمنهای اسلامی دانشجویان، استاد راهنما: دکتر تقی آزاد ارمکی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.

راش، مایکل (۱۳۷۷) ، جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر سمت.

راش، مایکل (۱۳۷۷) ، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت. رجایی، فرهنگ، (۱۳۷۲) ، تحول اندیشه‌های سیاسی در شرق باستان، تهران نشر قدس.

رتیزر، جورج ، (۱۳۷۴) ، نظریه‌های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.

رتیزر، جورج (۱۳۷۳) ، نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه احمد رضا غروی زاد، چاپ اول، تهران، نشر ناچد.
رضی، داوود (۱۳۷۴) ، بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

روزنامه انقلاب اسلامی (۱۳۹۱) ، سوم بهمن، شماره ۸۷۱.
سو، الوین (۱۳۷۸) تغییرات اجتماعی و توسعه ، ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران، انتشارات پژوهشکده، مطالعات راهبردی.

سیف زاده، حسین (۱۳۷۴) ، تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه: تاملی نظری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره پنجم.

علاقیند، علی (۱۳۷۶) ، جامعه شناسی آموزش و پرورش، چاپ اول، تهران، نشر روان.
قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹) ، چالشهای توسعه سیاسی، چاپ اول. تهران، نشر قوس.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲) ، اصول سیاست خارجی و سیاست بین المللی. چ نهم، تهران، نشر سمت.
کوزر، لوئیس ، روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸) ، نظریه‌های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ اول، تهران، نشر نی.

کیوستیو ، پیتر (۱۳۷۸) اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی: ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) ، جامعه شناسی ، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مصفا، نسرين (۱۳۷۲) ، مشارکت سیاسی زنان ، مجله‌ی سیاست خارجی، سال نهم ، شماره‌ی دوم تابستان ۱۳۷۲.

مصفا، نسرين (۱۳۷۴) ، نقش مشارکت سیاسی زنان در تواناسازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره دوم.

مصفا، نسرين (۱۳۷۳) نقش مشارکت سیاسی زنان در تواناسازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم.

- موسوی، سید طاهر (۱۳۷۷)، مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- الموند، گابریل و دیگران (۱۳۷۷)، چهارچوبی نظری برای سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- مهدی‌خانی، علیرضا (۱۳۸۰) توسعه سیاسی و اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات آرون.
- 0 مهرداد جعفری، بررسی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل موثر بر آن، زمستان ۷۶.
- 0 هولاب، رابرت (۱۳۷۵)، یورگن هابرماس: نقدی در حوزه عمومی، ترجمه حسین بشریه، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- یو، دال میونگ (۱۳۸۱) چارچوبی نظری برای سیاسی تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، ناشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.

Hills, Beverly and Mcleod. Jack; et al, 1999, the effects of Discussion Networks on Participation in a Public Forum, communication Research.

Kilanderman, Bert and Dirk Oegma, 1987, Generalized Action Preparedness, specialized action Preparedness and Action Participation, American Sociological Review, Vol. 59 October 1987.

Lipset, S.M, 1963, Political Man: The Social Bases of Politics, New York; University Press.

Macclosky. R, 1968, Political Participation, International Encyclopedia of Social Science, Vol 11, New York Macmillan Press.

Milbrath. L, 1981, Political Participation, Handbook of Political Behavior, Vol 4, ed .S. Long, New York Plenum Press.

Nie.Norman and Verba, 1975, Sidney Political Participation, Handbook of Political Science, Fred I. Green stein and W. Polsby, Addison Welsey Publishing Company, Massachuset.

Powell and Almond, 1992, Political Socialization and political Culture, Princeton University Press.

Pye, Lucian and Sidney Verba (eds), 1965, Political Culture and Political Development, Princeton Nj. Princeton University Press.

Rapoport and W.J, Stonev 1992, National Callers to the Perot, Yale.

Rush. Michael, 1992, Politics and Society, an Introduction to Political Sociology, Harves Aterwheatsheaf.

Schaeffer. Richard, 2001, Sociology, 7 Ed, New York; Mc GrawHill.

Sigel. Jonathan W, 1981, Survey of Common Cause Members, Yale University Social Science Statistical Laborary.

Sills. Dived, 1963, International Encyclopedia of Social Science, New York Crowell Collier and Mcmilan, Inc.

Weiner. M, 1971, Political Participation, in Crisis and in Consequence of Political Development, Prin Ceton, V.P.